

بیانیه بزرگداشت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)،

روز جهانی کارگر

به قلم دکتر تقی ارانی (۱۹۳۶/۱۳۱۵)

خسرو باقری



پیش‌گفتار:

بیانیه اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، روز جهانی کارگر، به قلم دکتر تقی ارانی (۱۳۱۸-۱۲۸۱)، یکی از سه رهبر تجدید حیات حزب کمونیست ایران- درکنار عبدالصمد کامبخش (۱۳۵۰-۱۲۸۲) و سرهنگ عزت‌الله سیامک (۱۳۳۳-۱۲۷۵)- و رهبر گروهی که پس از بازداشت‌های بین سال‌های ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۶ به گروه ۵۳ نفر شناخته شد، از منظر تاریخی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد؛ زیرا از یک طرف بیانگر جسارت انقلابی دکتر ارانی و یارانش حتی پس از تصویب قانون سیاه ضد اشتراکی رضا شاه پهلوی در سال ۱۳۱۰ است و از طرف دیگر بیانگر بینش ژرف و علمی مبارزان ایرانی در آن مقطع تاریخی است.

این بیانیه تاریخی به مهم‌ترین رویدادهای پیش از آغاز جنگ جهانی دوم می‌پردازد و به آنها پاسخی درست و انقلابی می‌دهد. اکنون که پس از ۸۷ سال از انتشار این بیانیه، بار دیگر آن را مطالعه می‌کنیم از درایت، بینش علمی، وطن‌دوستی نویسنده‌گان و نیز هواداری بیانیه از انترناسیونالیسم، دفاع شجاعانه از حقوق و آزادی‌های دموکراتیک، حمایت قاطعانه از صلح، و سرانجام دفاع بی‌خدشه از آرمان بزرگ انسان ترقی‌خواه یعنی سوسیالیسم، هم شگفت‌زده می‌شویم

و هم بر خود می‌بالیم. حتی امروز هم مفاد این بیانیه حاوی درس‌های بزرگی برای مبارزان ایران است. برای تاکید بر مضمون و نیز بینش علمی و انقلابی بیانیه، گزاره‌های اصلی آن را منتشر و سپس از خوانندگان دعوت می‌کنیم که به مطالعه کامل بیانیه بپردازند.

۱. بیانیه در سال ۱۹۳۶، یعنی سه سال پیش از آغاز جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵/۱۳۱۸-۱۳۲۴) وقوع این جنگ هولناک را که از قلب اروپا آغاز شد و سپس بخش بزرگ جهان را در هم نوردید و به قتل عام بیش از پنجاه میلیون انسان منجر شد، پیش‌بینی می‌کند.

۲. هدف سرمایه‌داری جهانی در برافروختن این جنگ خانمانسوز، تقسیم مجدد جهان و نابودی اتحاد جماهیر شوروی به عنوان میهن رنجبران جهان بود. بیانیه تأکید می‌کند که علت جنگ جهانی اول هم تقسیم جهان میان امپریالیست‌های استعمارگر بود.

۳. فاشیسم که در زیر لوای آن این جنگ به راه خواهد افتاد، چیزی نیست جز سرمایه‌داری مسلح که بزرگ‌ترین خطر برای صلح و آزادی است.

۴. امپریالیسم انگلستان به دست گماشته خود، رضا شاه پهلوی، در ایران سه هدف را دنبال می‌کند: استثمار زحمتکشان ایران، سرکوب آنها و استفاده از آنها به عنوان گوشت دم توپ برای تجاوز به اتحاد شوروی.

۵. دستگاه‌های دولتی، چه در مقیاس کشورهای امپریالیستی و چه در مقیاس کشورهای مستعمره یا نیمه مستعمره چون ایران، ابزار استثمار و سرکوب زحمتکشانند. دزدان بزرگ تنها به کمک دزدان کوچک این کشورها، قادرند ملت‌ها را غارت کنند.

۶. حکومت رضا شاه پهلوی، حکومت ملاکان و سرمایه‌داران است. ملت ایران باید علیه شوینیسم- وطن پرستی دروغین- که رضا شاه مبلغ آن است، مبارزه کند.

۷. در سایه حاکمیت سیاه رضا شاه پهلوی، در حالیکه توده مردم از دانش و بهداشت محرومند و در فقر و جهل و بیماری بسر می‌برند، بهترین امکانات کشور در اختیار سرمایه‌داران خارجی و سرمایه‌داران و ملاکین داخلی است.

۸. بعضی اقدامات ترقی خواهانه دولت رضا شاه نه از سر دلسوزی برای ملت ایران، بلکه تحت فشار توده مردم، شرایط بین‌المللی و تأثیر اتحاد شوروی است و به هیچ وجه به رژیم، وجهه ملی، مترقی و خلقی نمی‌دهد. راه‌آهنی که در ایران احداث می‌شود نه برای بهبود وضع اسف‌بار زحمتکشان ایران، بلکه برای کنترل و حفظ منافع انگلستان در هند انجام می‌گیرد.

۹. ملت ایران استقلال نسبی خود را که پس از قرارداد ۱۹۱۹ (۱۲۹۸) میان ایران و انگلستان در معرض خطر قطعی قرار گرفته بود، مدیون اتحاد شوروی است.

۱۰. مردم ایران باید با تشکیل یک جبهه متحد ملی، از ورود ایران به ورطه جنگ جهانی آینده جلوگیری و صلح، ترقی اجتماعی و حقوق و آزادی‌های دموکراتیک را تأمین کنند.
۱۱. تنها سوسیالیسم است که می‌تواند به استثمار زحمتکشان پایان دهد؛ صلح را در سراسر جهان تأمین کند و به توحش سرمایه‌داری پایان دهد.
۱۲. مردم ایران باید بر اتحاد خود با همه ملت‌های ترقی‌خواه جهان در مبارزه علیه فاشیسم آلمان، ژاپن و ایتالیا و نیز امپریالیست‌های انگلستان و آمریکا- که فاشیسم را در دامن خود پرورش دادند- تأکید کنند.
۱۳. محبوسان زندان قصر از پشت میله‌های زندان، اتحاد و همبستگی خود را با تمام هم‌زنجیران خود در نظام‌های سرمایه‌داری اعلام می‌کنند و به آن‌ها و خلق اتحاد شوروی درود می‌فرستند.

متن بیانیه اول ماه مه

اول ماه مه، روز نمایش قوای رنجبران دنیاست. در چنین روزی آزادی‌خواهان ایران به تمام رنجبران یعنی عمده‌ها و دهاتی‌های ایران، به توده ملت، از کسبه و اصناف و مستخدمین جزء و منورالفکرها با فریاد بلند خطاب می‌کنند:

رفقا

سرمایه مالی و فاشیسم، که مهلک‌ترین اسلحه این سرمایه مالی است، در تهیه جنگ بین‌المللی جدیدی است. این جنگ جهانگیر خونین، از یک طرف بین سرمایه‌داران برای تقسیم و چپاول رنجبران دنیا، و [از طرف دیگر برای نابودی اتحاد شوروی]، یعنی سرزمین شوراها خواهد بود. کانون‌های جنگ‌های اول، رودخانه رن بین آلمان و فرانسه، یا اقیانوس کبیر بین آمریکا و ژاپن یا سر معادن نفت بین آمریکا و انگلیس است [بود]. در یک کانون دیگر که حبشه باشد، آتش جنگ با ائتلاف بین انگلیس و ایتالیا و تقسیم یغما بین این دو دسته دزد، دارد خاموش می‌شود. واضح است که مراکز جنگ‌های ضد رنجبری را سرمایه‌داران می‌خواهند در سرحدات شوروی قرار دهند.

فاشیسم مهم‌ترین جرقه اشتغال جنگ خونین جدید است، زیرا بزرگ‌ترین دشمن فاشیسم صلح و آزادی، و بزرگ‌ترین خطر برای صلح و آزادی، فاشیسم است. فاشیسم عبارت از سرمایه‌داری مسلح است که با بی‌شرمی تمام اصول انسانیت را منکر می‌باشد.

رفقا

سرمایه انگلیس به وسیله اداره هندوستان و به کمک مالیات‌هایی که از خون توده ملت ایران می‌مکد، به دست یک افيونی که او را در صحنه حکومت ایران به عنوان یک ژنی جلوه‌گر ساخته است،

به نفع امپریالیسم، سه خیانت بزرگ به رنجبران دنیا می‌کند: اولاً رنجبر و توده ملت ایران را زیر شکنجه قرار داده، قدرت اجتماعی ملت را سلب کرده و حاصل دست‌رنج طبقه زحمتکش ایران را بین خود و سرمایه‌داران ایران، که شاه در رأس آنهاست، قسمت می‌نماید؛ حاصل زحمت کارگران نفت جنوب را سرمایه‌داران لندن و شمره مشقت‌های دهقان ایرانی را ملاکین داخلی به یغما می‌برند. ثانیاً علاوه بر شلاق سرمایه‌دار، چکمه‌های قزاق هم برای اخذ مالیات برگلوی ملت ایران است؛ مالیاتی را که با فشار می‌گیرد، صرف نظام و راه‌آهن جنگی برای حفظ هندوستان می‌نماید و می‌خواهد تا می‌تواند چنگال خود را از گلوی رنجبران هند بر ندارد. ثالثاً می‌خواهد خود رنجبران را بر علیه وطن رنجبران دنیا مسلح نموده، در جنگ بین‌المللی آینده به دست قشون ایران به خاک شوروی حمله کند.

رفقا

تمام این دست‌گناه برای چپاول رنجبر ایرانی و سرکوب کردن رنجبر دنیا است. اما برای چپاول یک ملت، فقط دزدان می‌توانند بر سر کارها باشند. دزدی که برای دیگری می‌دزد، قهراً برای خود هم خواهد دزدید. به همین مناسبت تشکیلات فعلی به نام خود و سرمایه خارجی، مقدرات ملتی را به دست دزدان سپرده است. فقط گاه‌گاه که بین آنها در سر یغما اختلافی پیدا می‌شود، ملت ایران از چند میلیون دزدی که از دست‌رنج او شده است، اطلاع پیدا می‌کند. محاکم ایران دائماً وزرا و مصادر دیگر امور را که به نام شخص خود اختلاس کرده و باعث معوق ماندن نقشه دزدی خارجی‌ها شده‌اند، محاکمه می‌کنند. [متاسفانه در این جا، بخشی از مقاله از بین رفته است.]

راه‌آهن ایران اهمیت نظامی برای هندوستان دارد. قشون ایران به نفع اجنبی اداره می‌شود. ازدیاد بودجه دولت به واسطه مالیات‌های کمرشکن است. توده از معارف و صحیه بهره ندارد. فقر و جهل و مرض نصیب توده و خوشی و عیش و نوش سهم ملاک داخلی و سرمایه‌داری خارجی است. آزادی خواهان ایران تمام ملت ایران را برای استخلاص خود دعوت می‌نماید. ما رفقای خود را دعوت می‌نماییم به نام رنجبر ایران قوای خود را برای انقلاب و تشکیل حکومت کارگر و دهقان مجهز نمایند. ما تمام رنجبران و توده ملت ایران را به نام مبارزه با غارتگران داخلی و خارجی و جلوگیری از ظلم و تعدی که به توده ملت وارد می‌شود، به نگهداری و پشتیبانی پرچم آزادی ایران دعوت می‌کنیم.

ما تمام ملت از کسبه و اصناف، منورالفکرها، عموم ترقی خواهان، محصلین و زنان جوان فکرا که طرفدار صلح، پیشرفت، خوشبختی و رفاه توده ملت و دارای همت و قدرت انقلاب و عمل باشند، به طرفداری از منافع حقیقی ملی، مبارزه با جنگ، مبارزه با دست‌های خارجی، مبارزه با شوینیسم که به وسیله وطن‌پرستی دروغی و ظاهری، حیثیات واقعی ملت را وسیله پیشرفت مقاصد خارجی کرده است، به مبارزه با استبداد و مرکز قدرت که برای اخذ مالیات و زنجیر کردن توده و اجرای مقاصد

سرمایه‌داران داخلی و خارجی است، به طرفداری از آزادی مطبوعات و انتخابات و نطق و اجرای مواد ملی و آزادی خواهی قانون اساسی موجود، و مبارزه با ظلم و دزدی و فساد دعوت می‌کنیم. ما به تمام شما خطاب می‌کنیم حکومت ایران طرفدار ملاک و سرمایه‌دار داخلی و خارجی و دشمن توده ملت است. اگر نبود، ملت را تحت شکنجه استبداد که به مراتب سخت‌تر از قرون وسطی است، قرار نمی‌داد و از هر نوع نهضت ملی و اجتماعات ترسان و هراسان نبود. مالیات‌های کمرشکن مستقیم و غیرمستقیم مانند مالیات در عایدات و قند و شکر را به نفع سرمایه‌داران بر توده ملت تحمیل نمی‌کرد.

حکومت فعلی تحت فشار جریانات بین‌المللی و اوضاع دنیا مخصوصاً تأثیر حکومت شوروی و فشار احساسات عمومی، بعضی اقدامات که به حال توده ملت مفید است، می‌نماید. اما خوب بفهمید، گول نخورید. این اقدامات اجباری است و حکومت فعلی به جهت حفظ جنبه ملی ظاهری خود و تسکین آمال توده در بعضی موارد مجبور به عوام‌فریبی یا تسلیم شده است. تمام این‌ها وسیله است نه مقصود. راه‌آهن برای خوشبختی ملت ایران کشیده نمی‌شود. خلع سلاح عشایر از نظر راه ملت ایران نیست، بلکه تمام این‌ها از نظر ظاهر سازی یا به نفع جنگ و یا از راه اجباری و ضروری است.

استقلال ظاهری و جنبه ملی را که ایران فعلی دارد، باید رهین قدرت حکومت شوروی باشیم و گرنه مطابق قرارداد ۱۹۱۹، ایران جزئی از هندوستان شده بود و مقدرات امروزی ملت حبشه در پایان جنگ بین‌الملل نصیب ما می‌شد و پس از گسستن زنجیر اسارت تزاریسم روسیه که برگردن ایران انداخته بود، و نیز الغای کاپیتولاسیون و سایر امتیازات از طرف شوروی و با وجود یک حکومت مقتدر شوروی، دیگر انگلیس نمی‌توانست مطابق قرارداد سیاه، ایران را به مستعمرات خود ملحق کند. ملت ایران!

همین استقلال محدود را رنجبران دنیا، به توداده‌اند و گرنه سرمایه‌های فاشیسم و امپریالیسم معامله‌ای را که با حبشه کرده بود، با تو نیز کرده بود. تا قوای ملی، توده خود را متحد و قوی نکند، هیچ ضامنی برای بقای استقلال ظاهری و ایجاد یک استقلال حقیقی وجود نخواهد داشت و هر لحظه مقدرات شما دست خوش سیاست دنیا خواهد بود.

بزرگ‌ترین خیانتی که حکومت فعلی به نام حفظ منافع طبقاتی مرتکب می‌شود، جلوگیری شدید از هر نوع اجتماع و عمل اجتماعی و تجهیز قوای توده است. نظمیه با تمام قوا و بودجه سنگین، مأمور لگدمال کردن قوای توده است.

تمام ملت ایران را از هر صنف و دارای هر عقیده که باشند، دعوت می‌کنیم که جبهه ملی و صف محکم واحد و متحدی تشکیل داده و به وسیله آن ایران را در جنگ آینده جبراً به حالت بی‌طرفی

نگاه دارند. فقط در سایه طرفداری از صلح خواهیم توانست جوانان خود را از قربانی شدن در راه سرمایه خارجی حفظ کنیم.

این جبهه ملی باید قوای خود را برای کوتاه کردن دست خارجی و تشکیل یک حکومت ملی واقعی که منافع توده ملت ایران را هدف خود قرار دهد، برای آزاد کردن مطبوعات و انتخابات، مبارزه با جنگ و سرمایه خارجی، دزدی و فساد و فشار مالیات‌های سنگین و برای بهبودی وضعیت زندگی عمومی و تمدن توده ملت مصروف دارد.

آزادی خواهان ایران برای تشکیل یک چنین جبهه ملی، دست خود را به طرف ملت ایران دراز می‌کند و قطعی است که این مبارزه به ملت ایران نیز مانند سایر ملل نشان خواهد داد که پیش‌قراولان حقیقی تمدن بشر و خلاص‌کننده توده رنجبر و مبارزه‌کنندگان جدی و عملی با جنگ و توحش و بربریت همان «سوسیالیسم» است.

آزادی خواهان ایران با تمام رنجبران و توده‌های صلح‌خواه ملل دنیا هم‌صدا شده، نفرت شدید خود را نسبت به تشنگان خون بشر، طرفداران جنگ یعنی فاشیسم آلمان، فاشیسم نظامی ژاپن، فاشیسم ایتالیا، امپریالیسم انگلیس و آمریکا که فاشیسم آلمان را در آغوش خود می‌پروراند، اظهار می‌دارند.

ما با تمام ملل دنیا در تنفر از اشغال حبشه به وسیله ایتالیا، اشغال چین به وسیله ژاپن، مقدمات اضمحلال استقلال اتریش از طرف آلمان شرکت می‌کنیم.

ما به ملل فرانسه و اسپانی که توانستند در سایه جبهه واحد رنجبران و جبهه ملی، با اصول اسبِتداد و فاشیسم مخالفت کرده و مملکت خود را از خطر توحش و بزرگ‌ترین دشمن انسانیت و رنجبران خلاص کنند، تبریک می‌گوییم.

ما از پشت دیوارهای ضخیم محبس‌های بورژوازی، به قهرمانان انقلاب رنجبر، به هزاران هزار محبوسین سرمایه‌داری ممالک مختلفه و آزادی خواهان محبس قصر تهران که سالیان دراز بدون محاکمه در محبس مانده، به تدریج معدوم می‌شوند، سلام می‌دهیم.

ما به رهبران رنجبران شوراهای که با تصمیم فولادین پایه جامعه سوسیالیستی را محکم‌تر کرده، خلاصی دائمی رنجبران شوروی را از زنجیر اسارت سرمایه‌تأمین نموده، پیشرو رنجبران دنیا می‌باشند، سلام می‌دهیم.

ما به بزرگ‌ترین تشکیلات رنجبری دنیا و رهبران «گئورگی دیمیتریف»^{*} سلام می‌رسانیم.

رنجبران دنیا متحد شوید! زنده باد انقلاب رنجبری دنیا!

گئورگی دیمیتریف (۱۸۸۲-۱۹۴۹) دبیرکل کمینترن تا زمان انحلال آن در سال ۱۹۴۳، نخستین رئیس جمهوری دموکراتیک خلق بلغارستان و یکی از برجسته‌ترین رهبران مبارزات ضد فاشیستی و ضد امپریالیستی جهان.